



۷۵

۷۶

منور

در اوایل سال ولت اعلا عشرت انجام عصمت قباب ماسم آنکه که کمال ابطه صور و معنوی حضرت شاسا است و در
 ایام هرکات توجه عالی زمام حل و عقد جمع همات مکی و مالی برایش پیش او مفوض بود و عهده داری که ضایعی سپهر کلان
 باقی محمد خان بود چون یک دختر باقی محمد تقی را با دو هم خان نسبت کرده بود خواست که دختر دیگر را به سپهر کلان
 کرده اند و بری دلکش شده قدم اشرف قدس تب و به برین اعیانه از درگاه معالی حضرت حاصل کرده با نظام
 جشن سرت آرای پرواخت و چنانچه آیین بزرگستان و الا فطرت باشد پیمان این طوسی او و سرسندان چاک
 استین خدمت بالا گرفته در تربیت منازل تیز محال عابک و پیوسته نسیبای بجای آوردند و بموجب التماس
 دو نمند بنسبیده خدمت حضرت شاسا از فرط سرور و ایشاد بنو حضور خود آن کارستان عشرت را نصیب و به
 لوازم و مرایم این جشن و لاسر و زسر و زبطری خاص مرتب میشد و مواد بهجت و غری بخاص عام میساخت و در
 سوان غم افزا نیست که درین ایام شهره خند از جدی طاری برین مقدم شاسا شد و مخلصان تحقیقی معاند و انان
 بلکه خاطر کشنده برانگ نظران دورین و شبید و مانند که حکیم قدیر که شد پستی و بیماری شریست است و اندوه و
 نظار عدل و سویت او بعضی مصلح و حکم بنده که خواه پاینده و الای بزرگی رساند و بکشتن سرای سرور و جاده
 کاغذی صورت و معنی گرداند پیش از آن بجهت فزاید کاسی بجهت دفع چشم بد او را مورد امری منافذ طبیعت سازد تا پاید
 آن تصاعد بر مدارح آمال نموده و به سرت ابدی بزرگ و در بنابرین مقدمه خرد پسندیدین ایام بدن اعتدال سر حضرت
 شاسا قدری گرم شد و مزاج مقدم پس از مرگ اعتدال میل نمود و اهل احسان را چکویکم که چون طباخون شد و بگرگ است
 پیود اگر طبعان معامله فهم را خاطر پریشان و باطن آزرده گشت و بعد از چند روز آبله خند که پسند کردند از آن بر سطح جلده
 و ایزد تعالی چرا پست آن بزرگ را ختم خود چنانچه باید فرمود و در اندک فرصتی آن جوش فرخ و شست و آن نقاط که نشد
 و صحت کامل وی و او عالم پمار شد رستی یافت و خاطر آفرید و یک و انا جان را طراوت پرید و به سرت ابدی
 عطایای الهی از مبحثش و بخشایش تقدیم رسید و حاج از ملک در ویشان برخاست از نو از دلای از زندان فرو
 او پهای دولت ابر پوند بقدر حالت و عقیدت شاد و اثار کرده نشاط بخش عالمیان شدند

سجده ولایت ماله شریعت عا که اتمال

سر طبقه از افراد نبی نوع آدم را عبادتی لارم و طاعتی اجست و عبادتی که بر ذمه کرامی خانوادگی سلطنت لارم است
 که در نماز و ایان او گردان امور مذکور است که سوسه در اندیشه آسودگی رعایا بود و یکی تحت چپسروانی را صرف تر و قبال
 ۲۴۹